

ارتباط دو جانبه، آم

محمد لطفی نیا

کلیدواژه‌ها: محیط کار، ارتباط، محیط آموزشی

دشواری ارتباط مستقیم بین مراکز آموزشی و محیط کار

با وجود این احساس ضرورت، تفاوت‌های اساسی‌ای، هم بین محیط آموزشگاهی و محیط کار و هم بین فرهنگ ویژه و نگرش مدیران آن‌ها وجود دارد، که موجب می‌شود برقراری ارتباط مستقیم بین مدیران آموزشی (هنرستان) و مدیران صنعت به دلایل زیر بسیار دشوار شود (خلاق، ۱۳۸۲).

مقدمه

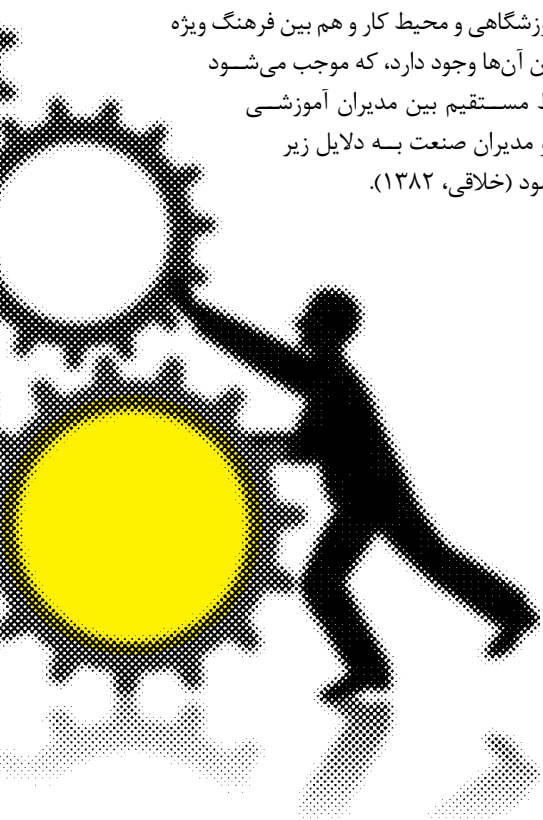
ارتباط بین کار و آموزش فنی و حرفه‌ای از دو جهت قابل بررسی است؛ اول اینکه تا چه اندازه هنرآموزان و هنرجویان با دنیای کار ارتباط دارند و دوم اینکه تا چه اندازه برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای پاسخ‌گوی نیازهای بازار کار و تغییرات فناوری است. در واقع «کار» و «آموزش» یا به بیان کاربردی «مدرسه» و «محیط کار» دو طرف یک رابطه هستند. در هر طرف گروه‌های مرتبطی قرار دارند که می‌توانند این ارتباط را به وجود آورند و آن را حفظ کنند. در یک‌سو در طرف کار، کارفرمایان، مدیران و کارکنان بخش‌های اقتصادی و در سوی دیگر در طرف آموزش، مدیران آموزشی، مربیان و هنرجویان قرار دارند (نمودار ۱).

دنیای کار و مؤسسات آموزشی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ از یک طرف مؤسسات صنعتی و تولیدی و خدماتی (دنیای کار) فرصت‌های شغلی برای دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) مؤسسات آموزشی فراهم می‌کنند و از طرف دیگر، مؤسسات آموزشی نیروی انسانی ماهر مورد نیاز آن‌ها را تربیت می‌کنند (خلاق، ۱۳۸۱). در نتیجه، همان‌طور که در نمودار شماره ۱ نیز ملاحظه می‌شود، همواره ارتباط دوطرفه‌ای بین این دو محیط وجود دارد.

این ارتباط می‌تواند به‌طور مؤثرتری از طریق پاسخ‌گویی محتوای برنامه‌های درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به نیازهای صنعت و خدمات (از سوی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای) و مشارکت بخش خصوصی و دولتی (در تدوین ساختار و برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای) و سرمایه‌گذاری در آن (از سوی کارفرمایان) ایجاد شود و پلی بین آموزش و کار به‌وجود آورد.

رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاربردانش

دوره نهم / شماره ۱ / پاییز ۱۳۹۲



وزش با محیط کار

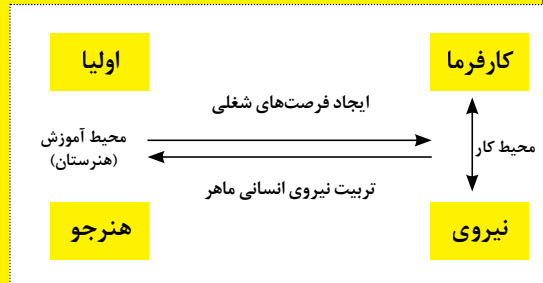
- تفاوت در شیوه مدیریت و نگرش مدیران این دو گروه نسبت به مسائل جاری و آموزشی که ناشی از ماهیت متفاوت محیط آموزشی و محیط کار است؛
- تأثیر این ارتباط بر محصولات نظام آموزشی، به‌ویژه از نظر تربیتی، با توجه به حساسیت اولیا نسبت به فرزندان خود که به نوبه خود افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛
- مشغله کاری زیاد مدیران هر دو گروه و کمبود وقت برای برقراری ارتباط مستقیم و مستمر به نشانه یک وظیفه جدید؛ این مشغله کاری انگیزه را برای صرف وقت در این زمینه از بین می‌برد.

پل ارتباط

بنابراین، ضرورت برقراری ارتباط دو طرفه بین محیط کار و آموزش در قالب اصلاحات آموزشی (به‌گونه‌ای که بتواند از یک‌سو نیروی کار را متناسب با نیازهای بازار کار و فرصت‌های شغلی تربیت کند و از سوی دیگر موجب نگرانی برای مسائل تربیتی نشود) ایجاب می‌کند که یک ساختار ارتباطی یا به تعبیر دیگر پل واسطی بین این دو گروه به‌وجود آید. این پل ارتباطی می‌تواند به‌وسیله دولت، از طریق مکانیسم‌هایی مانند تشکیل سازمان‌های نمایندگی، شامل نمایندگان کارفرمایان و مدیران و متولیان آموزشی، به‌وجود آید. این پل ارتباطی در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است.



نمودار ۱: نمایش رابطه ساده بین کار و آموزش



آموزشی فنی و حرفه‌ای و صنعت در اختیار دولت قرار دهند. به عبارت دیگر، سازمان‌های واسط می‌توانند به مرکز تجمع و ارتباط مؤثر سه نهاد اساسی مسائل و مشکلات مربوط به بازار کار، تحولات تکنولوژی و نیازهای آموزشی صنعت را به کمک یکدیگر حل و فصل نمایند. به بیان دیگر، این سازمان‌ها می‌توانند در ارائه راهبردها، سیاست‌ها و راهکارها آن‌ها را کمک نمایند. نمودار شماره ۳ این ارتباط را به نحوه دقیق تری نشان می‌دهد.

همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، سازمان‌های واسط یا پل از طریق برقراری ارتباط مستمر با هر دو نهاد صنعت و آموزش، شرایط لازم را برای برقراری ارتباط دو طرفه بین آن‌ها فراهم می‌آورند. در یک طرف (یعنی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای) مجموعه مدیران، معلمان و مربیان و هنرجویان قرار دارند و در طرف دیگر (یعنی صنعت) کارفرمایان، صاحبان سرمایه و مدیران و کارگران و کارکنان آن‌ها قرار دارند. در واقع ارتباط بین این دو گروه می‌تواند بین محتوای آموزشی و نیازهای صنعت، تعادل و توازن به وجود آورد و از طریق این تعامل، به نوسازی و بهسازی هر دو نظام «آموزشی فنی و حرفه‌ای» و «اقتصادی» بسیار کمک کند.

شیوه‌های ارتباط

از نظر عملی، ارتباط میان عناصر این دو نهاد به شکل‌های مختلفی امکان‌پذیر است. یک شیوه، ارتباط بین این دو دانش‌آموزمحوری است. به این معنی که ارتباط مستمر از طریق حضور هنرآموزان در بخش تولید و صنعت به صورت‌های مختلف، مانند بازدید از مراکز تولیدی و محیط کار، گفت‌وگو با متخصصان، کسب تجربه کاری و با شرکت در کنفرانس‌ها و جلسات برگزار شده در این مراکز برقرار می‌شود. یا بالعکس ممکن است مهندسان و متخصصان شاغل در صنعت به منظور آشنا ساختن هنرآموزان و هنرجویان با

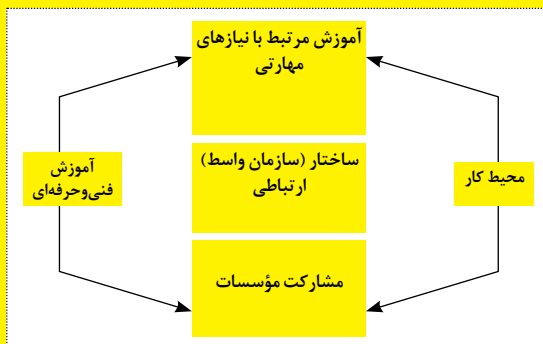
بنابراین، اصلاح نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای بر مبنای پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار مستلزم زدن پلی برای برقراری ارتباط دوطرفه بین آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای (نظام آموزش فنی و حرفه‌ای) و محیط کار، در بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی است. با توجه به دشواری‌های موجود، ایجاد این پل ارتباطی نیازمند دخالت دولت و تشکیل سازمان‌های واسط با هدف برقراری ارتباط مؤثر بین این دو نهاد است، همان‌طور که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است.

این سازمان‌ها می‌توانند از یک سو نیازهای مهارتی صنایع و بازار کار را به نظام آموزش فنی و حرفه‌ای منتقل کنند و از سوی دیگر، مشارکت نهادهای تولیدی و خدماتی را در برنامه‌ریزی‌های درسی و آموزشی فراهم سازند و خلأ ناشی از فقدان تفاهم و همزیستی میان این دو نهاد را پر کنند و بین نیازهای بازار کار و محتوای آموزشی ارتباط تنگاتنگی به وجود آورند (۱۹۹۲).

چنین نهادهایی می‌توانند از یک سو توانایی‌ها و امکانات مراکز آموزشی آموزشگاه‌ها را برای تربیت نیروی انسانی ماهر به دست آورند و همچنین امتیازات و فوایدی را که برای صاحبان سرمایه و حرف از توانمندی‌های نیروی کار حاصل می‌شود برای آن‌ها تبیین کنند.

از سوی دیگر مراکز آموزشی را با نیازها و امکانات مراکز صنعتی و توانایی‌هایی آن‌ها از نظر ایجاد زمینه کارآموزی برای هنرجویان و تکنولوژی‌های جدید آشنا سازند و زمینه‌های اشتغال دانش‌آموختگان این آموزشگاه‌ها را فراهم آورند. در واقع این سازمان‌ها می‌توانند نمایندگان دو نهاد آموزش و صنعت را گرد هم آورند و ضمن رد و بدل کردن اطلاعات مفید، فرصت‌های بسیاری را برای توسعه و بهبود نظام

اصلاح نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای بر مبنای پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار مستلزم زدن پلی برای برقراری ارتباط دوطرفه بین آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای (نظام آموزش فنی و حرفه‌ای) و محیط کار، در بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی است



مقوله‌های است که موضوع مقاله‌های دیگر است و در شماره‌های بعد می‌توان به آن پرداخت.

مسائل علمی در صنعت و ایجاد ارتباط بین مهارت آموزشی در هنرستان‌ها با نیازهای صنعت برای سخنرانی یا تدریس در آموزشگاه حضور یابند.

در حالت سوم ممکن است برنامه‌ی درسی، محور این ارتباط قرار گیرد. به این معنی که برنامه‌ریزان درسی از کارفرمایان یا متخصصان و نمایندگان صنعت برای حضور در گروه آنان و مشارکت در تدوین برنامه‌های درسی براساس مهارت‌های مورد نیاز آنان دعوت به عمل آورند تا با استانداردهای مورد نظر، آنان را برای مهارت‌آموزی در تولید برنامه‌های درسی مورد توجه قرار دهند (۱۹۹۲).

سرانجام ممکن است براساس قانون عرضه و تقاضا در بازار کار و آموزش، مکانیسم بازار، ارتباط بین محتوای آموزشی و نیازهای صنعت (به‌عنوان مشتریان، بازار آموزشی) را تنظیم نماید. اما انواع این شکل‌های ارتباط، در صورتی می‌توانند موفق شوند که سازمان‌های واسط تشکیل و فعال شوند و بتوانند با برنامه‌ریزی و فعالیت‌های لازم شرایط این ارتباط را به‌نحو احسن و مؤثر فراهم کنند؛

به‌ویژه که این سازمان‌ها می‌توانند سیاست‌های هماهنگی را در زمینه آموزش برای نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای و صنعت رقم بزنند. بدون وجود این سازمان‌ها برقراری ارتباط بین این دو نهاد بسیار دشوار خواهد بود و اگر تحت شرایطی هم بتوانند به نوعی این ارتباط را برقرار کنند بعد از مدتی هر یک با گرایش به سمت منافع خودشان از هم دور می‌شوند، همان‌گونه که در طرح هنرستان‌های جوار کارخانه‌ها و طرح کاد عملاً این اتفاق افتاد.

بنابراین مشاهده می‌شود، در عین حال که هر دو طرف شدیداً نسبت به هم نیازمندند اما نمی‌توانند این ارتباط را به‌نحو مطلوبی برقرار سازند. اینجاست که تشکیل یک نهاد واسط بین این دو ضرورت می‌یابد تا همانند کاتالیزوری پیوند آن‌ها را تسهیل کند. ماهیت و چگونگی سازمان‌های واسط

بر اساس قانون عرضه و تقاضا در بازار کار و آموزش، مکانیسم بازار، ارتباط بین محتوای آموزشی و نیازهای صنعت (به‌عنوان مشتریان، بازار آموزشی) را تنظیم می‌نمایند

منابع

۱. خلاق، علی‌اصغر (۱۳۸۲). ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا؛ درس‌هایی برای اصلاح آموزش فنی و حرفه‌ای ایران.

۲. نوآوری‌های آموزشی، سال دوم، شماره ۵، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی درسی و نوآوری آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

۳. خلاق، علی‌اصغر (۱۳۸۱). الگوهای ارتباط بین مراکز آموزشی و محیط کار. نوآوری‌های آموزشی، سال اول، شماره ۲، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی

درسی و نوآوری آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

۴. خلاق، علی‌اصغر (۱۳۶۹). بررسی میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان هنرستان‌های جوار کارخانه‌های در مقایسه با دانش‌آموزان هنرستان‌های متعارف، در استان تهران. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.

5. Dale, R. (1990). *The TVEI Story*. Open University, Philadelphia.

6. Hall, W.C. (1991). *Links Between TAFE and Industry: A TAFE Perspective*. (A discussion paper) TAFE National Center for Research and Development, Leabrook, South Australia.

7. Hayton, G.: Lavender, P. (1992). *Workplace Reform and TAFE: Four Case Studies*. National Center for Vocation Education Research, Leabrook, South Australia.

8. Hobbs, T. (1982). *Evaluation of Work Experience Programs for Queensland State Secondary Students - 1981*. Queensland Research Branch Department of Education Brisbane.

9. Paterson, H.A. (1990). *School/industry links: A survey among science teachers in Surrey*. *School Science Review*, 72 (September), 41-46.

10. Shilling, C. (1989). *Schooling for Work in Capitalist Britain*. The Falmer Press, London. (Paterson, 1990; Hobbs, 1982)